



۲۰۲۲/۰۵/۱۹



دوکتور م، عثمان تره کی

تصاحب فاتحانه قدرت سیاسی به حاکمیت مشروعیت نمی بخشد!

حاکمیت مشروع به آن نظامی اطلاق میشود که اقتدار آن با تیوری مسلط مشروعیت در یک زمان معین و کشور معین در مطابقت قرار داشته باشد. این تیوری مسلط ممکن در محور حاکمیت الهی شکل گرفته باشد و یا بر پایه حاکمیت دیموکراتیک.

تیوری حاکمیت الهی به مثابه مبنای مشروعیت :

به استناد این تیوری قدرت سیاسی و حاکمیت مطلقه از جانب خداوند ج به بندگان برگزیده اعطا میشود. در آغاز ظهور این تیوری برخی از سلاطین شرق میانه (از جمله فراعنه مصر) ، شاهان روم و امپراتوران جاپان نعوذ بالله، خود ادعای خدایی مینمودند.

از قرون اوسطی به بعد مسیحیت در تیوری حاکمیت الهی تغییراتی وارد کرد. چنین تعبیر ارائه شد که صرفاً قدرت زمامداران منشأ الهی دارد. اما خداوند ج در گزینش حکام مداخله نمیکند. تعیین زمامداران کار انسان ها است. این مردم است که حق حکمرانی را به مثابه ودیعه الهی به زمامداران اعطا میکند.

در تیوری حاکمیت الهی سهم مردم در تعیین پادشاهان در ابهام باقی ماند. این ابهام مبنای ظهور سلطنت های موروثی و استبدادی که همه مدعی مشروعیت بودند قرار گرفت.

تیوری حاکمیت دیموکراتیک به عنوان منشأ مشروعیت :

تیوری حاکمیت دیموکراتیک در قرن ۱۷ به استناد نظریات فلاسفه یی مانند « سن توماس اکن » و « روسو » بر ضد زیاده روی های سلاطین مطلقه انکشاف داده شد. حاکمیت مشروع دیموکراتیک منطق خود را بر حقوق طبعی انسان ها بنا میکند. به این معنا که انسانها با حقوق مساوی به دنیا میآیند. هیچ دلیلی وجود ندارد که در جامعه، یک انسان با ادعای داشتن امتیاز نسبت به دیگران مدعی حکمرانی بالای آنها شود. دسترسی به قدرت سیاسی از مجرای انتخابات حق مردم است.

بنأ حاکمیت مشروع بر مبنای انتخابات عمومی و آزاد بوجود میآید.

تنازع دو مشروعیت :

بعضاً چنان واقع میشود که در کشوری در یک زمان معین دوکتورین تیوکراتیک (مذهبی) مشروعیت در تقابل با ضابطه مشروعیت نو دیموکراتیک در حال ترویج قرار بگیرد و نهایتاً ذهنیت عامه به دو بخش تقسیم شود. درین حال در برابر حکومت برحال مدعی مشروعیت، مشروعیت جدید که بخشی از مردم به آن باورمند شده اند، سر بلند میکند. این را بحران مشروعیت مینامند که منجر به سقوط حکومت ها و بی ثباتی سیاسی میشود.

در اروپای قرون ۱۸ و ۱۹ حقوق الهی با حقوق مردمی (ولسی) در تضاد واقع شد. مشروعیت تیوکراتیک در تقابل با مشروعیت دیموکراتیک قرار گرفت.

در افغانستان دهه نود مشروعیت مبتنی بر جهاد در جنگ خونریز با ادعای مشروعیت دیموکراسی شبه سوسیالیستی واقع گردید. افغانستان امروز به شدت معروض به بحران مشروعیت است : حکومت برحال مبتنی بر مشروعیت مذهبی طالبان را باور بخشی از مردم به ضابطه مشروعیت دیموکراتیک زیر سوال برده است.

دسترسی به حاکمیت از راه زور (فتوحات) :

احراز قدرت سیاسی از مجرای زور و خشونت مبنای مشروع و حقوقی ندارد. با آنهم در دنیای امروز بی دریغ ازان استفاده میشود.

برای تصاحب قدرت از راه زور از سه وسیله استفاده شده است : کودتا، انقلاب و جنگ آزادی طلبی.

۱- کودتا : کودتا غالبین شکل نظامی دارد که طی آن اکثرأ قوت های مسلح نظام برحال، حکومت موجود را خلع و به جای آن حکومت جدید را اعلام مینماید. در بسیاری موارد کودتا ها منجر به ظهور دیکتاتوری های نظامی شده است. چنین هم واقع شده است که کودتاچیان زیر فشار جامعه بین المللی برای کسب مشروعیت از انتخابات استمداد جسته اند : در پاکستان پس از سال ۱۹۹۹م که مصادف به کودتای پرویز مشرف بود، سائر کودتاچیان از مجرای انتخابات در جستجوی مشروعیت شدند.

در سودان در ۱۹۶۵م نظامیان به قدرت رسیدند. یک سال بعد انتخابات به حکومت نو مشروعیت بخشید.

در روندا در ۱۹۹۲م کودتاچیان انتخابات را برای مشروعیت برگزیدند.

اینکه بعداً زیاده روی های دیموکراسی در کشور های عقب مانده چه جنجال هائی آفرید، بیرون از موضوع بحث رویدست است.

۲- انقلاب: در انقلاب حکومت برحال به زور مردم حذف و به جای آن حاکمیت انقلابی مستقر میشود.

ذهنیت عامه کودتا را ابزار استقرار حکومت مطلقه و نا مشروع و انقلاب را وسیله تمثیل اراده مردم و دیموکراتیک و مشروع تلقی میکند. اما مثال هایی وجود دارد که انقلابیون آنطوریکه مدعی اند، از مردم نمایندگی نمیتوانند: در پاریس (فرانسه) در ۱۸۴۸م بدنبال انتخابات، انقلابیون به نفع مخالفین شکست خوردند.

برخی به این باور اند که انقلاب مطالبات اکثریت خاموش را انعکاس میدهد. این طرز تلقی موجب میشود که انقلابیون به انتخابات، رای مردم و نهایتاً کسب مشروعیت احساس ضرورت نکنند.

۳- جنگ آزادیبخش ضد اشغال خارجی : شیوه دیگر دسترسی به حاکمیت از راه زور است. در افغانستان طالبان قبضه فاتحانه بر حاکمیت را موهبت الهی قیاس کرده، خود را بی نیاز از کسب مشروعیت از طریق انتخابات یا لویه جرگه میدانند. این طرز تلقی در دنیای اسلام کنار گذاشته شده است :

- « حزب دستور نو » در ۱۹۵۶م پس از مبارزات طولانی، استعمار فرانسه را از قلمرو تونس راند و زمام دولت مستقل را بدست گرفت. طی چند ماه قانون اساسی تنظیم و انتخابات اعلام شد. حبیب الرقیبه رهبر حزب دستور نو بحیث اولین رئیس جمهور اعلام گردید.

- جبهه آزادی ملی الجزائر در ۱۹۶۲م پس از ۸ سال جنگ خونین با استعمار فرانسه موفق به حصول استقلال شد. یک سال بعد قانون اساسی اعلام و بر مبنای آن انتخابات برگزار گردید. فرحت عباس رهبر مقاومت ضد استعمار به عنوان اولین رئیس جمهور برگزیده شد.

بنأ اعمال زور از طرق کودتا، انقلاب و جنگ ضد اشغال خارجی به فاتح مشروعیت نمیبخشد. گرایش عمومی در تعاملات سیاسی دنیای اسلام کسب مشروعیت از مجرای آرای مردم است.

نتیجه :

علی العجاله در افغانستان زیر کنترل طالبان رفتن به سوی انتخابات به دلایل تخنیکی امکان پذیر نیست.

یگانه مرجع کسب مشروعیت لویه جرگه است. به شرطیکه دور از اعمال نفوذ سیاسی حکومت برحال و به نمایندگی صادقانه از مردم دائر شود. لویه جرگه به یک حکومت نو با ترکیب طالب و تکنوکرات رای اعتماد خواهد داد. حکومت نو اقلن برای دوسال ایفای وظیفه خواهد نمود.

حکومت موقتی جدید که از لویه جرگه کسب مشروعیت کرده است، توسط جامعه بین المللی به رسمیت شناخته خواهد شد. حکومت پیش از همه موضوع تسوید قانون اساسی را به کمیونی که از جانب لویه جرگه تعیین شده است حواله خواهد کرد. بعد از انقضای لااقل دوسال افغانستان آماده برگزاری انتخابات بر مبنای قانون جدید خواهد گردید.

« پایان »



برای مطالب دیگر دوکتور م، عثمان تره کی روی عکس کلیک کنید